

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال نوزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲ Scopus

صص ۳۳-۱

## تبیین الگوی کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها

دکتر داود رضائی\* - استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء(ص)، تهران، ایران.

دکتر محمدرضا حافظ‌نیا - استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر محمد حسین افشردی - استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

دکتر سیروس احمدی نوحدانی - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰

DOR:20.1001.1.17354331.1402.19.71.1.6

### چکیده

سازماندهی، نظم بخشی و کنترل فضای جغرافیا پیوسته هدفی درخور جهت کنشگری بازیگران عرصه نظام بین‌الملل می‌باشد. بنظر می‌رسد به مانند دیدگاه‌های سنتی ژئوپلیتیک، جایگاه بی‌بدیل عناصر کالبدی-ساختاری فضای جغرافیا بر قدرت بیشترین نقش را در انفعال و اتخاذ سیاست‌های قلمروخواهی کشورها دارد. پژوهش حاضر که از نظر هدف، بنیادی-کاربردی است با رویکرد توصیفی-تحلیلی با استناد به منابع کتابخانه‌ای و پژوهش میدانی به دنبال شناخت مولفه‌های موثر(عوامل و شیوه‌ها) بر کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورهاست. بر این اساس در بخش کتابخانه‌ای مهمترین شاخص‌ها و متغیرهای موثر استخراج و بر اساس ماهیت در قالب چهار مولفه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی طبقه‌بندی گردیدند. نتیجه حاصل از تجزیه و تحلیل ۷۳ پرسش‌نامه بخش میدانی نشان می‌دهد در بین عوامل قلمروسازی ژئوپلیتیکی، مولفه‌های سیاسی با امتیاز ۲/۷۳، اقتصادی ۲/۶۶، نظامی ۲/۵۱ و فرهنگی ۲/۱ و در بخش شیوه‌های قلمروسازی ژئوپلیتیکی، مولفه‌های فرهنگی با امتیاز ۲/۸۱، نظامی ۲/۵۳، اقتصادی ۲/۴۲ و سیاسی ۲/۲۳ در اولویت قرار دارند. در نهایت با توجه به یافته‌های کتابخانه‌ای و میدانی، مدل نظری پیشنهادی کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها در قالب ۴ مولفه و ۴۶ متغیر طراحی گردید.

واژه‌های کلیدی: قلمروسازی، ژئوپلیتیک، قدرت ملی، کشورها، کنشگری.

## ۱. مقدمه

برغم دگرگونی در عوامل ارتقاء دهنده‌ی قدرت ملی، کماکان جایگاه و نقش فضای جغرافیا و عناصر کالبدی آن بر قدرت بی‌بدیل بوده و به همین واسطه بازیگران سیاسی با اتکاء بر اندیشه‌های سنتی ژئوپلیتیک در رویکردی نو جهت تحقق منافع ملی و ارتقاء قدرتشان بر تحصیل علائق خود در فرای مرزهای ملی مصمم و در تکاپو می‌باشند. به اعتقاد اتوتایل جغرافیای جهان پیامد مبارزه بین نیروهای رقیبی است که به دنبال سازملنده‌ی، اشغال و فرمانراندن بر فضا بوده‌اند. نظام‌های امپریال در سرتاسر تاریخ به این ترتیب نظم و معنا را به فضا تحمیل نموده‌اند (Ó Tuathail, 1996:2). به اعتقاد نئورئالیست‌ها، چگونگی توزیع قدرت به عنوان محور اصلی سیاست بین‌الملل عامل تغییر در رفتارهای منطقه‌ای و بین‌المللی بازیگران محسوب شده (Mossallanejad, 2008:242)؛ از همین رو فروپاشی کشورها و بازسازی مجدد نقشه‌ی سیاسی که نشان از تلاش بشر برای نفوذ، تاثیرگذاری، تملک و کنترل سرزمین و دیگر فضاها می‌باشد (Mohammadi and et al, 2012:89)؛ پیوسته گویای ارتباط مستقیم قلمرو [منابع و ارزش‌های جغرافیایی] با موجودیت کشور و تاثیرش بر قدرت بازیگران مداخله‌گر در این مناطق بوده، به گونه‌ای که برخی اهمیت قلمروسازی را به اندازه و هم پای هوا برای نفس کشیدن تعبیر می‌نمایند (Ansell and Palma, 2004:2). بیان بوزان مبنی بر اینکه «قدرت‌های بزرگ این حق را برای خود مسلم می‌دانند که منافع خود را در خارج از مرزهای خود جستجوکنند» (Bozan, 2000:5) نشان از پویایی سرشت قلمروخواهی درون انسان‌هاست و در حال حاضر بخشی از راهبرد ژئوپلیتیکی قدرتهای بزرگ و شرح وظایف آنها شامل مناطقی است که با نفوذ جغرافیایی و نظارت بر آنها بتوانند منافع کلان خود را محقق سازند (Abdi and et al, 2020:9). این موضوع از زمان انعقاد پیمان وستفاليا (۱۶۴۸) که پیوند مفهوم قلمرو و قلمروسازی را با حاکمیت سرزمینی به همراه داشت، نقش دولت‌ها به عنوان مهمترین نهاد سیاسی نظام بین‌الملل جهت جامه‌ی عمل پوشیدن به چشم داشت‌های انسانی به دیگر فضاها را پر رنگ نمود. لذا بیان اتحادیه‌ی بین‌المللی جغرافیا در این خصوص که کشمکش بر سر

قلمرو از سرفصل‌های پژوهشی جغرافیای سیاسی سده‌ی ۲۱ خواهد بود (Kavianirad, 2014): 47) اهمیت فهمی نو و دقیق‌تر از کنش قلمروسازی کشورها را دو چندان می‌نماید. با این تفاسیر، قلمروسازی بدان جهت که تولید و باز تعریف فضا برای رفع سه نیاز اساسی انسان‌ها یعنی اقامت، فعالیت و حرکت بوده به عنوان مهمترین دغدغه بیشترین توجه و عرصه‌ی کنشگری بازیگران را به خود معطوف داشته است؛ از همین رو بنظر می‌رسد با وجود عدم مقبولیت شیوه‌ی قلمروخواهی بازیگران سیاسی در گذشته [جنگ و اشغال فیزیکی فضا] این خواسته‌ی کشورها در رویکردی متفاوت از قبل تجلی خود را در مفهوم قلمروسازی ژئوپلیتیکی جلوگر می‌نماید. بنابراین در فرایند جدید که مدنظر این تحقیق است علاوه بر عوامل موثر در شکل‌گیری کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی، شیوه‌ی عمل و چگونگی تحقق قلمرو موصوف برای کشورها دارای اهمیت بالایی می‌باشد. لذا این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و کار میدانی در پی تبیین الگوی قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها می‌باشد.

## ۲. روش تحقیق

در این تحقیق به جهت شیوه پرداختن به موضوع از روش توصیفی-تحلیلی استفاده گردیده است. سوالات تحقیق: اول اینکه عوامل موثر بر شکل‌گیری کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها چیست؛ دوم اینکه اساساً قلمرو ژئوپلیتیکی کشورها چگونه و به چه شیوه‌ای بسط می‌یابد. از این رو در گام اول با مطالعه منابع کتابخانه‌ای از جمله کتاب‌ها، طرح‌های پژوهشی و مقالات فارسی و لاتین، متغیرها و دلایل موثر بر کنش و همچنین شیوه‌ی بسط قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها در قالب چهار مولفه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته شده است. در گام دوم و بخش میدانی پژوهش نیز پرسشنامه‌ای به تعداد ۴۶ سوال بر اساس طیف لیکرت طراحی و در اختیار ۲۰۰ نفر از صاحب‌نظران رشته‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل قرار گرفته شده و با مورد پرسش واقع شدن نظرات آنها در مورد اثرگذاری عوامل و شیوه‌های موثر در قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها، در نهایت

با دسته‌بندی شاخص‌ها و متغیرها احصاء شده ضمن تعیین میزان اثرگذاری آنها الگوی قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها تبیین شده است

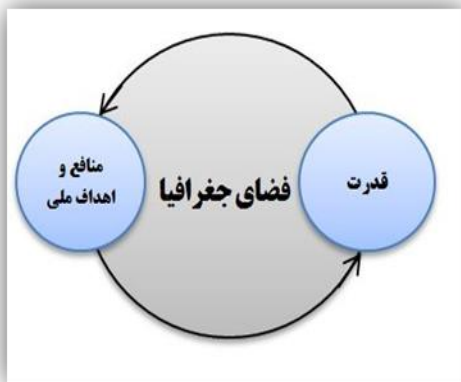
### ۳. مباحث نظری

#### ۳-۱ قدرت

از نظر واقع‌گرایان قدرت مهم‌ترین مفهوم برای تبیین و پیش‌بینی رفتار دولت‌هاست (Dougherty and Faltzgraff, 2017:73). یکی از رایج‌ترین دیدگاه‌های روابط بین‌الملل در خصوص قدرت، چنین عنوان می‌گردد که: "الف" قادر است "ب" را وادار به انجام کاری کند که در غیر این صورت، "ب" قادر به انجام آن نیست (Muir, 2013:271). قدرت در نگاه برتراند راسل<sup>۱</sup> به انرژی تشبیه شده که در اشکال گوناگون مانند ثروت، سلاح، نفوذ معنوی، مقام و اقتدار ناشی از شکل و موقعیت اجتماعی و... (Kazemi, 1994:17) اثرگذاری خود بر دیگران را به همراه دارد. بنابراین قدرت از آنجائی که ماهیت ابزاری دارد مورد علاقه بازیگران سیاسی بوده تا با بهره‌گیری از آن بر رقبا غلبه نمایند و به اهداف شان دست یابند (Hafeznia, 2017:356). اگر چه در تقسیم‌بندی نوع قدرت، آن را در قالب قدرت مادی و معنوی، منفی و مثبت، بالقوه و بالفعل، سخت و نرم و هوشمند، آشکار یا پنهان، قانونی و ... عنوان می‌دارند (Mousavi Zare and et al, 2008:107). اما بدان جهت که جوهره‌ی ژئوپلیتیک از قدرت تشکیل می‌شود منشاء و ابعاد فضائی-جغرافیایی شکل‌گیری قدرت بازیگران سیاسی در علم ژئوپلیتیک دارای اهمیت بیشتری بوده تا نوع قدرت. بنابراین می‌توان گفت که عناصر و ارزش‌های زمین‌پایه (جغرافیا) در چرخه‌ی علم ژئوپلیتیک نقش پررنگ و پایدارتری در حصول قدرت دارند. در عرصه روابط بین‌الملل هم کنترل منابع رایج و غالب‌ترین مولفه‌ی (Dehghani Firoozabadi, 2015) مورد وثوق اندیشمندان سیاسی می‌باشد.

---

1. Bertrand Russell



شکل (۱): رابطه قدرت و منافع و اهداف ملی

اتوتایل معتقد است کانون جغرافیا را قدرت تشکیل داد و جنگ‌های کل تاریخ برای دستیابی و کنترل سرزمین‌ها و فضای جغرافیایی در گرفته‌اند (Dougherty and Faltzgraff, 2017:176). هاوس هوفر تنها راه احیا عظمت آلمان را از مسیر تفکر ژئوپلیتیکی مبتنی بر توسعه‌ی ارضی و تنازع برای فضا می‌دانست (Nourbakhsh and Ahmadi, 2021:153). شی‌الن فضا را سرچشمه شکوفایی و قدرت دولت دانسته، دوام و بقای دولت را تنها فضایی می‌دید (Lorre and Tuval, 2002:8). و سایر اندیشمندان (جدول ۱) در نظریات خود مدعی دستیابی و کنترل بخشی از فضای جغرافیایی بوده‌اند. با این تفاسیر می‌توان گفت نظریات ژئوپلیتیکی مطرح شده از سوی اندیشمندان سیاسی عمدتاً با هدف دستیابی به راه‌کارهایی جهت افزایش قدرت ملی کشورهای خود بوده است. در این راه کلیه عناصر و ارزش‌های ساختاری و کارکردی فضای جغرافیا به عنوان منابع و منافع ملی با تاثیری که در فرایند تحقق قدرت دارند در شکل‌گیری کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی بازیگران سیاسی نقش آفرینند.

## جدول (۱): عوامل موثر بر قلمروسازی و محدوده جغرافیای آن در نظریات ژئوپلیتیک

نظریه	عوامل تحریک قلمروسازی	محدوده مورد علاقه
نظریه قدرت دریایی	قدرت جهانی با دستیابی به منابع و مناطق راهبردی	کنترل عرصه دریایا
نظریه فضای حیاتی راتزل	امپراتوری آلمان با رفع نیازها. کنترل مناطق راهبردی و..	کنترل قاره آفریقا
راهبرد ژئوپلیتیک هوفر	قدرت محوری؛ با رفع نیازها اتحاد ژرمنها، و حائل سازی	کنترل اروپا و آفریقا
نظریه هارتلند	قدرت جهانی با کنترل روسیه و منابع طبیعی	منطقه ی اوراسیا
نظریه ریملند	قدرت جهانی با مهار شوروی و ایجاد توازن قدرت ..	مناطق حاشیه ی هارتلند
نظریه فرضیه نوآدی	سلطه جهانی ارتقاء پرستی زمینی با افزایش ثروت و وسعت	کنترل قلمرو مستعمرات
نظریه امپریالیسم	سلطه جهانی با کنترل بازارها مناطق راهبردی و تبعیض	کنترل کل کره خاکی
نظریه جرج کنان	ارتقاء قدرت ملی با حفظ مناطق راهبردی و مهار شوروی	محاصره هارتلند
بیضی استراتژیک انرژی کمپ	ارتقاء قدرت با مدیریت منابع انرژی	خلیج فارس تا دریای خزر
نظریه نظام جهانی والرشتاین	ایجاد نظم جهانی با کنترل بازارها	منطقه پیرامون و نیمه پیرامون
نظریه رهبری جهانی مودلسکی	ایجاد نظم جهانی با کنترل منابع و ارتباطات دریایی	حضور در قبائوسها
نظریه آگسل های ژئواستراتژیک فمال جهان، حافظنیا	افزایش قدرت و برد جهانی با دستیابی به منابع و مناطق راهبردی، تضعیف رقبا، ایجاد سد نفوذ و..	کنترل قلمرو خشکی و دریایی
اندیشه نو اوراسیاگرایی دوگین	احیای اتحاد شوروی با هویت بخشی تمدنی و یکپارچه سازی اقوام	منطقه اوراسیا

(Source: rezaei and et al,2021:224)

## ۳-۲ قلمروسازی ژئوپلیتیک

قلمرو اساس شکل گیری کشورهاست و هیچ کشوری بدون آن نمی تواند دارای موجودیت باشد (Mirhaidar and et al,2015:6). قلمروسازی یا ساخت قلمرو<sup>۱</sup> به مفهوم اعمال قدرت بر یک مکان، در بهترین شکل در حکومت های ملت پایه تجلی می یابد (Zaki and Gholami,2018:8). لذا بواسطه تاثیر ظرفیت های کالبدی و ساختاری فضای جغرافیا بر دو عنصر دیگر ژئوپلیتیک یعنی سیاست و قدرت، مفهوم قلمرو بعنوان بخشی از فضای جغرافیایی و سازه های انسانی همچنان مهم بوده و مورد توجه همه ی بازیگران سیاسی می باشد (Hafeznia,2017:191). از همین رو قلمروسازی به عنوان راهبرد فضائی یا مکانی جهت اثرگذاری، اثرپذیری یا کنترل منابع و اعضاء با کنترل فضا (Sack,1986:20) در مواجهه با خواست قلمروخواهی انسان ها جهت تاثیرگذاری، نفوذ و یا کنترل مردم، پدیده ها و روابط از طریق تحلیل حدود و نظارت بر یک منطقه جغرافیایی محقق می گردد (Mirheydar,2005:14). اقدامی که صرف نظر از گونه های مختلف ابراز آن وسیله ای برای نیل به یک هدف مشخص

## 1. Constructing Territory

مانند ادامه بقاء، سلطه‌ی سیاسی یا بیگانه‌ستیزی شناخته می‌شوند (Muir, 2000: 17). بنابراین قلمروسازی به عنوان یک ساختار سیاسی و انسان‌ساخت به جهت ماهیت قلمروخواهانه‌ی خود و تلاش برای تقسیم فضا، ماهیتاً مشاجره‌آمیز است و بدون تقسیم بی‌رحمانه فضا به بخش‌های جداگانه و تخصیص انحصاری فضا وجود نداشته است (Blax, 2010: 38-39).

اما در قلمروسازی ژئوپلیتیکی برخلاف تئوری توسعه‌طلبی ارضی راتزل، کشورها به دنبال بعد فیزیکی توسعه‌طلبی و بسط قلمرو نیستند، اگر چه اساساً همان نوع نگرش و توسعه‌طلبی را دنبال می‌کنند، منتها این بار از طریق حوزه‌اندیشه و فرهنگ، [سیاست، اقتصاد، تکنولوژی و...] برای تسلط بر ذهن‌ها و قلب‌های مردم و در نهایت کنترل و نظارت بر قلمروهای مختلف جغرافیایی در راستای الگوی نظم سرمایه‌داری مورد نیاز خود در فضاهای مختلف جغرافیایی عملی می‌کنند (Afzali and et al, 2014: 53). بنابراین قلمرو ژئوپلیتیکی، بواسطه قرارگیری فضای جغرافیایی و سازه انسانی یا جمعیتی مربوطه در حوزه نفوذ و تاثیرگذاری یک یا چند متغیر سیاسی، دینی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، تجاری، تکنولوژیکی و رسانه‌ای کشور یا بازیگر سیاسی قدرتمند بوجود می‌آید. در این وضعیت کشورها، سرزمین‌ها و فضاهای جغرافیایی پیرامونی درحوزه نفوذ یک کشور یا شهر قدرتمند و دارای موقعیت مرکزی (قطبی و متروپل) قرار می‌گیرد (Hafeznia, 2017: 191).

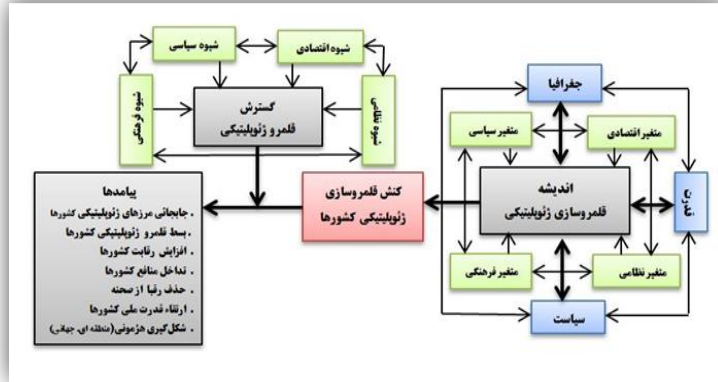
با این اوصاف پایداری نسبی مرزهای جغرافیای سیاسی کشورها به منزله‌ی عدم تقلای کنشگران سیاسی جهت بهره‌گیری از ظرفیت ارزش‌ها و عناصر جغرافیایی فرای این مرزها نبوده بلکه اهداف در قالب شیوه‌های نو (غیر از جنگ و اشغال) دنبال و مرزهای ژئوپلیتیکی که دارای وضعیتی دینامیک هستند پیوسته ترسیم و متحول می‌گردد.

بنظر می‌رسد این دینامیک بودن مرزهای ژئوپلیتیکی با نظریه مهم هاوس هوفر در رابطه با مرزهای سیال<sup>۱</sup> که در آن دوره مطرح و مرزهای قانونی یا مرزهای طبیعی را رد می‌کرد سنخیت داشته و مبنای اقدام عملی کشور قرار دارد.

## ۳-۳ مدل پژوهش

به دلیل ماهیت رقابت آمیز عرصه‌ی نظام بین‌الملل، کسب قدرت به جهت ارتباط موثرش در تامین و حفظ منافع ملی همواره نقشی بی‌بدیل در اندیشه‌ی سیاسی کشورها داشته است. در این بین مفهوم قلمروسازی که خود موبد نوعی رقابت بین بازیگران سیاسی است اساساً بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های موجود در فضای جغرافیای را در نهاد خود به همراه دارد. بنابراین در چارچوب این مفهوم، با توجه به برداشت‌های متفاوت کشورها از یکدیگر، کدهای ژئوپلیتیکی که شکل دهنده‌ی سیاست خارجی یک کشور نسبت به سایر مکان‌هاست بر اساس تهدیدات خارجی، اهداف و منافع متعدد سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی تعیین و کنشگری کشورها را بسوی فضاها‌ی موصوف هدایت می‌سازد. به همین جهت مشخص شدن عوامل و دلایل این اقدام اهمیت دارد. عواملی که می‌توانند ترکیبی یا جداگانه موضوعیت یابند و یا در طول زمان اثربخشی خود را به عنوان یک دغدغه جهت تهییج حس کنشگری بازیگران از دست بدهند. بنابراین بعد از بیان و تحلیل این موضوع در بخش اول، در بخش دوم با توجه به اینکه مفهوم قلمروسازی بار ژئوپلیتیکی به خود می‌گیرد ما به شیوه و روش‌های متعددی جهت بسط قلمرو ژئوپلیتیکی می‌پردازیم که متفاوت از گشته بوده و کمتر بدان توجه شده است. پس با توجه به خط‌مشی کشورها در فضاها‌ی مورد علاقه و گددار می‌توان گفت راهبرد ژئوپلیتیکی کشورها براساس ارتباط بین قوت و ضعف خود و مکان‌های هدف‌گذاری شده، مجدداً طیف وسیعی از متغیرهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی که بر روی همدیگر تاثیر دارند را دربر می‌گیرد. لذا با اتخاذ این شیوه‌ها شاهد گسترش لایه‌های از قلمرو ژئوپلیتیکی کشورها در مناطق مورد علاقه خواهیم بود که به رغم تامین خواسته‌ی بازیگران مداخله‌گر گاهاً در جوامع هدف این اقدامات غیرملموس و فارغ از حساسیت‌های معمول در قلمروسازی جغرافیایی (اشغال فضا) می‌باشد. برای آگاهی ذهنی مخاطب برای ورود به بحث، مدل مفهومی ذیل ترسیم و به دو بخش اصلی عوامل و شیوه‌های قلمروسازی ژئوپلیتیکی تقسیم گردیده است. لذا شاخص‌های مدنظر الگوی قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها به تدریج در طول پژوهش تبیین، مورد مطالعه و تایید قرار می‌گیرد.





شکل (۲): مدل مفهومی مطالعه قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها

(Source:rezaei,2021:48)

#### ۴. یافته‌های تحقیق

##### ۴-۱ یافته‌های کتابخانه‌ای

در تحقیق، متغیرها باید قابلیت سنجش و اندازه‌گیری داشته باشند، یعنی باید به شاخصه‌ها و مفاهیم عینی‌تر تبدیل شوند که بتوان آنها را مشخص و اندازه‌گیری نمود (Hafeznia,2013:52). تفاوت‌های موجود در توانایی‌های سیاسی، نظامی، فنی، اقتصادی و [فرهنگی] دولت‌ها و بازیگران غیردولتی که از مشخصه‌های نظم جهانی و سیاست بین‌الملل است (Dougherty and Faltzgraff,2017:705)، بازیگران این عرصه را با خواسته‌های گوناگون جهت تحصیل قدرت به اقدام و عمل در فضای پیرامونی مواجه ساخته است. لذا به منظور دستیابی به این مهم در این بخش از پژوهش با مراجعه به منابع معتبر مهمترین شاخصه‌ها و متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها و همچنین شیوه‌های بسط آن گردآوری گردید. همان‌گونه که بیان شد شاخصه‌ها و متغیرهای تحقیق با توجه به نوع و ماهیت‌شان به چهار گروه یا مولفه شامل: شاخصه‌های عوامل و شیوه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی طبقه‌بندی گردیدند. فراوانی و تکرار متغیر و شاخصه‌های تحقیق در نظریات اندیشمندان مرتبط با موضوع تحقیق و همچنین وجود جنبه‌های عینی و جهان‌شمول برای متغیرها و شاخص‌های

گردآوری شده از ملاک‌های انتخاب متغیرها می‌باشند. در ادامه ضمن بیان و بررسی مختصر اهمیت و جایگاه هر یک از مولفه‌های مطروحه، متغیرهای و شاخصه‌های موثر در کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی معرفی می‌گردد.

#### ۴-۱-۱ مولفه‌ی سیاسی قلمروسازی ژئوپلیتیکی (عوامل و شیوه‌ها)

بواسطه اینکه قدرت زمینه‌ساز سیاست و سیاست ابزار تحقق قدرت است پیوسته ارتباطی سینرژیک بین این دو مفهوم برقرار می‌باشد. بطور کلی از آن جهت که سیاست، دربردارنده الگو یا الگوهایی از اقداماتی است که طراحی می‌شوند تا هدفی را محقق سازند (Lee and Walling, 2003:170) ماکیاول<sup>۱</sup> قدرت سیاسی را هدفی درخور می‌داند که کشورها برای دست یافتن، حفظ کردن و گستراندن آن ملزم به استفاده ابزارهای [شیوه‌های عمل] گوناگون هستند (Ismailpour, 2017:82). به اعتقاد واقع‌گرایان نوکلاسیک دولت‌ها به دلیل بی‌اطمینانی ناشی از آنارشی بین‌المللی [مدام] در پی کنترل و شکل دادن به محیط بین‌المللی خود هستند. بر این اساس بدون در نظر گرفتن بسیاری از روش‌ها که ممکن است منافع آنها را تعریف کند، به دنبال افزایش نفوذ و گسترش توان عملیاتی خود هستند (Koolae and Abed, 2018:7). هالستی<sup>۲</sup> معتقد است که هر ساختار ژئوپلیتیک، بنابر روند تکوین تاریخی خود دارای ارزش‌ها یا آموزه‌هایی است که فراتر از ارزش‌های ملی یا محلی عنصر رقابت را میان کشورها و قدرت‌ها رواج می‌دهد. این مهم در گذشته ناشی از عواملی چون ایجاد امپراتوری به عنوان یک هدف ملی مشروع جهت ازدیاد نفوذ بین‌المللی، نیل به پادشاهی اقتصادی و افزایش اعتبار کشورها، رقابت و کنشگری بازیگران را به همراه داشته است (Abdi and et al, 2020:9). لذا ملاحظه می‌گردد که همه‌ی دولت‌ها در تلاش هستند موقعیت خود را در نظام بین‌الملل حفظ و ارتقاء دهند. «شولر»<sup>۳</sup> با طرح "توزیع منافع" مدعی است که امنیت اولویت مهمتر برخی دولت‌ها نیست و آنها ممکن است به قلمرو نفوذ، قدرت، ثروت و یا دیگر اهداف علاقه‌مندی بالاتری نشان دهند (Schweller, 1996:90-110). مبارزه با تروریسم به عنوان یکی از اصلی‌ترین «دال‌های

1. Machiavelli

2. Holsti

3. Schweller

گفتمانی» آمریکا در حوزه‌های سیاست خارجی (Mossallanejad,2008:254) از متغیرهای زمینه‌ساز گسترش حوزه عملکردی این کشور در مناطق مختلف جهان قلمداد می‌گردد. بر همین اساس که قدرت مهم‌ترین ابزار جهت دستیابی به منافع ملی و پیشبرد هدف‌های ملی در مناسبات خارجی محسوب می‌شود. کشورها سعی بر آن دارند تا با گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی خود، ضمن ارتقاء جایگاه‌شان در عرصه‌ی منطقه‌ای و جهانی، عوامل سیاسی که هویت ملی، ارزش‌های ایدئولوژیک و منافع ملی آنها را با خطر مواجه می‌سازد کاهش و خنثی نمایند. در این راه نظریه‌پردازان جهانی شدن به عوامل و شیوه‌هایی که در بسط قلمرو ژئوپلیتیکی کشورها نقش آفرینند همچون: ۱- گسترش الگوی حکومت دموکراسی، ۲- افزایش نقش سازمان ملل و شورای امنیت در مسائل جهانی، ۳- شکل‌گیری شبکه جهانی تولید و توزیع سلاح‌های استراتژیک ۴- شکل‌گیری رژیم‌های جهانی کنترل تسلیحات (کنترل انرژی هسته‌ای، سلاح شیمیایی و...)، ۵- شکل‌گیری و افزایش حیطه‌ی عمل سازمان‌های جدید (سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی) توجه داشته‌اند (Salimi,2005:22). اگر چه همه‌ی اقدامات فرهنگی، اقتصادی و نظامی کشورها به نوعی متکی به سیاست و تدابیر سیاسی آنها می‌باشد در عین حال برخی اقدامات کشورها جهت قلمروسازی خارج از چارچوب مولفه‌های گفته شده می‌باشد و صرفاً ماهیتی سیاسی دارند که مهم‌ترین شاخصه و متغیرهای مرتبط با عوامل و شیوه‌های سیاسی قلمروسازی ژئوپلیتیکی در قالب جداول (۲ و ۳) بیان شده است.

جدول (۲): شاخصه‌های عوامل سیاسی قلمروسازی ژئوپلیتیکی

منبع	شاخص	فاکتور
Dougherty and Faltzgraff,2017:181 Muir,2013:17-Modelsk,1987 Hafeznia,2017:208.- Roshandel ,2005:90. -Lorre and Tuval,2002:13	کسب اعتبار، ارتقاء پرستیژ ملی، افزایش برد جهانی و تحقق سلطه سیاسی	قدرت سیاسی
Dougherty&Faltzgraff,2004:162 Ezzati,2001:27	متوازن‌سازی قدرت در قبال رقیب، یافتن متحدین منطقه‌ای-جهانی و پر کردن خلاء قدرت	
Hafeznia and Kavianirad,2012:200 Badiee and et al,2015:117-120 Tabatabai,2002:70-75 MossallaNejad,2008:259	عمل به الزامات دکترین، دستورالعمل‌ها و اسناد بالا دستی	

Yaqouti,2012:26-27	دفاع از اتباع و هم کیشان مذهبی، فرهنگی و نژادی خود در خارج از مرزهای ملی
Salimi,2005:22 Karimipour,2000:20-22 Hosseini,2017:29	گسترش دامنه نفوذ سیاسی، اقتصادی و وادار کردن کشورها به اعمال رفتار خاص و تبعیت.
Mohammadi & et al,2012:6 Roshandel,2005:90 Holsti,1995:63-64 Wagnsson,2012:483 Oneal, Russett & Berbaum ,2003:1	ارتقاء امنیت ملی با رفع منازعات، تهدیدات سایبری، تروریسم، فقر و کنترل بحران‌ها

(Source:rezaei,2021:26-185)

## جدول (۳): شاخصه‌های شیوه سیاسی قلمروسازی ژئوپلیتیکی

منبع	شاخص	فاکتور
Moshirzadeh,2005:104 Nye,2003:45 Flint,2011:86-87	دیپلماسی فعال جهانی با گسترش واحدهای سیاسی-اداری و دیدارهای حسن نیت	توسعه‌های سیاسی
Tabatabai,2002:70-75 Ismailpour,2017:86-87	ممانعت از شکل‌گیری وحدت سیاسی، اقتصادی یا نظامی منطقه‌ای	
Tabatabai,2002:70-75 Naeni,2010: 167 Hafeznia,2017: 462	جذب، آموزش کادر سیاسی و به کار گماردن رژیم‌های دست نشانده	
Tabatabai,2002:70-75 Moshirzadeh,2005:254	حمایت از تشکیل شرکت‌های چندملیتی در تابعیت قدرت هژمون	
Nye,2003:45 Deheshyar,2017:26	ارائه خدمات بشردوستانه در مناطق موردعلاقه	
Salimi,2005:38 Hosseini,2017:8	نهادسازی و عضویت در نهادهای بین‌المللی و.. به منظور بهره‌گیری از ظرفیت آنها	

(Source: rezaei,2021:26-185)

## ۴-۱-۲ مولفه‌ی اقتصادی قلمروسازی ژئوپلیتیکی (عوامل و شیوه‌ها)

یکی از بسترهای مهم تحقق پیشرفت اقتصادی کشورها دسترسی مطمئن به منابع و زیرساخت‌های جغرافیایی است؛ بگونه‌ای که بدون وجود آن حصول به اهداف ترسیم‌شده جهت پیشرفت اقتصادی و ارتقاء قدرت کشورها ناممکن و پرچالش خواهد بود.

هاوس هوفر با الهام‌گیری مفهوم اوتارکی (خودبسندگی) از شی‌الن به این موضوع اعتقاد داشت که یک کشور بزرگ باید توانایی تامین نیازمندیهای خود را بدون اتکا به دیگران داشته باشد؛ از همین‌رو و بواسطه فشار ناشی از تحریم آلمان در جنگ جهانی اول توسط متفقین، تسلط بر سرزمین‌های اوکراین و بخش اروپایی روسیه و قفقاز را در رسیدن به خودبسندگی لازم می‌دانست (Nourbakhsh and Ahmadi, 2021: 156). در راستای رقابت‌های ژئوپلیتیک، فضاها برخوردار از مواهب ژئواکونومیک به جهت اینکه زیربنای بخشی از توانمندی اقتصادی قدرت‌ها را تشکیل می‌دهند دارای اهمیت بسزایی هستند. بنابراین آنگونه که کراسنر<sup>2</sup> عنوان می‌دارد در زمان حاضر اگر یک قدرت بتواند در حد کفایت به این مواهب ژئواکونومیک دسترسی داشته باشد، می‌تواند برای خود نفوذی هژمونیک ایجاد کرده و سایر کشورها را نیز بسته به حوزه‌ی نفوذ خود به همکاری وادار کند (Abdi and et al, 2020: 9).

عدم انطباق توزیع منابع جهانی با پراکندگی جمعیت و مراکز صنعتی و نیاز بیشتر برخی کشورها به مواد اولیه و البته بازار مصرف جهانی جهت افزایش سرمایه و سود به گونه‌ای است که به باور ژاکوب وینر<sup>3</sup> اهداف مهمی چون دستیابی به قدرت، امنیت نظامی و رفاه بلندمدت، دولت‌ها را به داشتن قدرت نظامی سوق داده تا با تاسیس مستعمرات در خارج از مرزها، منابع انحصاری را برای تامین مواد خام صنایع و کارخانه‌ها به دست آورند (Dougherty and Faltzgraff, 2017: 471-473). در این راستا کشورها علائق متعددی نسبت به فضای جغرافیای پیرامونی خود دارند که حصول به آنها بدون شک بر ارتقاء قدرت آنها تاثیرگذار است. به اعتقاد ادوارد لوتواک<sup>4</sup> دولت‌ها باید در راه نهادینه کردن قدرت‌شان در صحنه بین‌المللی بر خلاف گذشته شیوه‌های اقتصادی را مدنظر قرار دهند (Luttwak, 1990: 17) که این خود متضمن برخورداری از منابع مناسب یا کنترل و نظارت بر منابع سایر مناطق می‌باشد. از همین‌رو روابط اقتصادی و تجاری نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به ارتباط میان دولت و امپراتوری ایفا می‌کند.

---

1. Autarky

2. Krasner

3. Jacob Viner

4. Edward Luttwak

زیرا در تفکر ژئواکونومی نفوذ و رخنه در بازارها جایگزین پایگاه‌های نظامی خارج از کشور توسط قدرت‌های بزرگ می‌شود (Ezzati, 2001:108). با این اوصاف شاخصه و متغیرهای مرتبط با عوامل و شیوه‌های اقتصادی قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها در چارچوب جداول (۴ و ۵) قابل توجه است.

جدول (۴): شاخصه‌های عوامل اقتصادی قلمروسازی ژئوپلیتیکی

منبع	شاخص	فاکتور
Holsti, 1995:63-64 Braden and Shelley, 2004:39 Hudson and Smith, 1978:36 Habson, 1965:85 Dougherty and Mir Haidar, 2005:16 Faltzgraff, 2005:153	دستیابی و کنترل انحصاری منابع و بازارهای هدف جهت تولید ثروت و رفاه بیشتر مردم کشورشان	عوامل اقتصادی
Salami and Rahmatipoor, 2015:151 Holsti, 1995:63-64	ارتقاء ظرفیت نظارتی و کنترل رقبا با تسلط بر منابع طبیعی، بازارها و...	
Hafeznia and Kaviani Rad, 2012:200 Badiee and et al, 2015:117-120 Rezaei and et al, 2018:112 Tabatabai, 2002:70-75	دستیابی و بهره‌مندی از ظرفیت تجاری، اقتصادی، تکنولوژیک و منابع با صرفه اقتصادی بالای سایر مناطق برخوردار	
Dougherty and Faltzgraff, 2017:509 Yaqouti, 2012:26-27 Wallerstein, 1998:63	توسعه بازار جهت فروش تولیدات صنایع داخلی و ایجاد فرصت سرمایه‌گذاری جدید	
Salimi, 2005:22 Hosseini, 2017:29 Karimipour, 2000:20-22	یکپارچه نمودن اقتصاد منطقه‌ای و جهانی تحت نظارت خود	

(Source: rezaei, 2021:26-185)

جدول (۵): شاخصه‌های شیوه اقتصادی قلمروسازی ژئوپلیتیکی

منبع	شاخص	فاکتور
Magdoff and Camp, 1999:142 Jones and Rice woods, 2007:86	کنترل سرمایه‌گذاری در منابع، زیرساخت‌ها در قالب اعطای وام، خدمات فنی و...	شیوه‌های اقتصادی
Hafeznia, 2017: 463	کنترل جریان پول در سطح بین‌الملل برای تغییر رابطه مبادله	
Ghorbaninejad, 2013:76 Deheshyar, 2017:24 Hafeznia, 2017: 463	افزایش سطح مبادلات تجاری به جهت ایجاد وابستگی به کالاهای ضروری و جریان سرمایه	

Ghorbaninejad,2013:76	مسدود، مصادره کردن دارایی‌های کشورهای غیر منعطف
Deheshyar,2017:26 Nye,2003:45	در دست گرفتن و کنترل بازار صادرات رقبای منطقه‌ای و جهانی
Magdoff and Camp,1999:142	بهره‌گیری از ظرفیت بانکداری و بیمه‌ها

(Source: rezaei,2021:26-185)

## ۳-۱-۴ مولفه‌ی نظامی قلمروسازی ژئوپلیتیکی (عوامل و شیوه‌ها)

غلبه نظامی جهت تحصیل مقاصد امپریالیستی به عنوان قدیمی‌ترین و آشکارترین شکل امپریالیسم (Dougherty and Faltzgraff,2017:96) نشانگر اهمیت و جایگاه قدرت نظامی در تحصیل منافع کشورها می‌باشد. عموماً این بعد قدرت منبعی زائیده از ابزار سخت، جنگ و تهدید قلمداد و برای تامین امنیت مورد استفاده کشورهای ابرقدرت قرار گرفته است. با به کارگیری کلمه ابر قدرت توسط ویلیام فاکس<sup>۱</sup> در پایان جنگ جهانی دوم در مفهومی ژئوپلیتیکی برای توصیف قدرت‌های متفق که متکی بر قدرت نظامی و تحرک‌پذیری بالا در بیش از یک نقطه اعمال زور و به تبع آن منافع دیپلماتیک خود را در این مناطق حاصل می‌نمودند (Dalman and et al,2011:113)؛ جایگاه و نقش عوامل و شیوه‌های نظامی جهت تحقق قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها بیشتر نمایان گردید و کشورها را جهت بهره‌گیری از این بعد قدرت مصمم نمود. تاکید راسموسن<sup>۲</sup> دبیرکل ناتو در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۹ مبنی بر پیچیدگی محیط امنیتی نسبت به گذشته و اینکه باید در کشورهای بیشتری حتی بیش از قبل حضور داشته باشیم (Wagnsson,2012:483) و همچنین اقدام فدراسیون روسیه در کنترل فضای شبه جزیره کریمه و لشکرکشی آمریکا به افغانستان و عراق در قرن ۲۱ آن هم به دلیل در معرض خط بودن امنیت ملی و جهانی مویّد وجود دغدغه‌های نظامی و نقش آفرینی این مولفه در کنشگری بازیگران می‌باشد. اتوتایل با بیان اینکه تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، جرم‌های اینترنتی، مافیای جهانی با تهدید مرزها، قلمروهای سرزمینی را یکی پس از دیگری در

1. William Fox

2. Rasmussen

نورحیده‌لند (Mohammadi and et al, 2012:6) و بوزان با بر شمردن تهدیدات متفاوتی چون حملات هشداردهنده، تصرف قلمرو، تهاجم کامل تا حمله به موجودیت مردم از طریق محاصره یا بمباران، تهدید منافع خارجی، تهدید متحدان و خطوط کشتیرانی و قلمروهای استراتژیک برای کشورها (Bozan, 2000:142) به تاثیرگذاری این عوامل بر کنش‌گری نظامی کشورها تاکید داشته‌اند. بنابراین اقدام ابرقدرتها مبنی سرمایه‌گذاری گسترده در زمینه تقویت فناوری‌های دریایی و هوایی و روی آوردن به ائتلاف‌های نظامی ضمن اینکه اولویت‌هایشان را پیش می‌برد، مانعی جهت گسترش حوزه نفوذ ابرقدرت‌های رقیب به حساب می‌آید (Bozan, 2000:116). دو کشور هند و پاکستان برغم درگیری نظامی مکرر از زمان دستیابی به فناوری بمب هسته‌ای نزاع جدی میان همدیگر نداشتند (Mousavizare and et al, 2018:94) و این نشان می‌دهد که در روند جهانی شدن، بسط قلمرو تنها متکی به اشغال نظامی نیست؛ بلکه فناوری نظامی و میزان فروش و نقل و انتقال تولیدات و تجارت تسلیحاتی، خود گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی کشورها را به همراه دارد که از شاخص‌های مهم جهانی شدن امور نظامی هم قلمداد می‌گردد (Salimi, 2005:46). به اعتقاد کالینز برخورداری از فضای مانور، گرفتن پایگاه، استفاده از فضای هوایی، سود بردن از پشتیبانی اطلاعاتی و استفاده از نیروی کار محلی از فوائد ملموس ائتلاف نظامی است (Collins, 1998:228). در این راستا توسعه‌ی قلمرو ژئوپلیتیکی آمریکا و اروپا در فضای پساشوروی در قالب گسترش ناتو در چارچوب برنامه‌های متعددی چون: الحاق و عضوگیری جدید ۱۹۹۳، طرح مشارکت برای صلح ۱۹۹۴، جنگ پیش‌دستانه جهت مقابله با تروریسم ۲۰۰۴، تعامل و اتحاد با کشورهای غیرعضو ناتو مثل پاکستان ۲۰۰۴، تاسیس دفتر نمایندگی در کشورهای حوزه خلیج فارس ۲۰۰۶، گسترش سپر دفاع موشکی (دفاع مرحله‌ای و انعطاف پذیر) ۲۰۱۰ و... با چالش کمتر رقم خورده است (Shamsdolatabadi and et al, 2018:117-123). اگر چه در نگاه سنتی قدرت نظامی به جهت کنترل اهداف استراتژیک، اعمال زور و فشار یا بازدارندگی، منجر به اشغال بخشی از فضای جغرافیایی فرای مرزهای سیاسی می‌گردد. اما اکنون بار مالی و تبعات سیاسی جنگ به همراه پیدایش خواسته‌های جدید در قلوب عوامل موثر و شیوه‌های متأثر از قدرت نظامی مورد توجه قرار گرفته که برخلاف



گذشته با حساسیت کمتر گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی کشورها را محقق می‌سازد. اهم شاخص‌ها و متغیرهای مرتبط با عوامل و شیوه‌های نظامی قلمروسازی ژئوپلیتیکی در چارچوب جداول (۶ و ۷) قابل توجه است.

جدول (۶): شاخصه‌های عوامل نظامی قلمروسازی ژئوپلیتیکی

منبع	شاخص	فاکتور
Roshandel,2005:90	حفظ تمامیت ارضی در قبال تهدید واگرایانه	قدرت نظامی
Hafeznia, 2017:366	ترکیب نمودن قدرت بری و بحری	
Collins,1998:11 Hagget,1972:522-527	خارج شدن از حصار خشکی و بهره‌مندی از ظرفیت‌های دریا	
Bozan,2000:142 Brzezinsk,1990:76 Dougherty and Faltzgraff,2017:509 Cohen,1994:15-48 Held, 1999 :93	پاسداری از حوزه‌های نفوذ سیاسی، اقتصادی و.. گذشته به همراه کنترل مناطق استراتژیک	
Afshordi,2002:25	ایجاد سپر دفاعی در مقابل تهدیدات نظامی - امنیتی (سیاست حائل سازی)	
Bozan,2000:142. Flint, 2011:72-74	دفاع از متحدین منطقه‌ای و جهانی در مناطق دارای ارزش راهبردی	

(Source: rezaei,2021:26-185)

جدول (۷): شاخصه‌های شیوه نظامی قلمروسازی ژئوپلیتیکی

منبع	شاخص	فاکتور
Vahidi,2008:701 Hafeznia, 2017:463 Salimi,2005:46	تقویت فناوری های نظامی و سیستم های جنگی (برد و قدرت تسلیحات)	شیوه نظامی
Flint, 2011:72-74 Collins,1998:228 Dalman and et al,2011:116 Kelly,2007:199 Hafeznia, 2010:76	ایجاد پایگاه و مشارکت در ائتلافهای سیاسی - امنیتی و نظامی	
Nye,2003:45	اعزام نیروهای حافظ صلح به مناطق درگیر	
Flint, 2011:86 Magdoff and Camp,1999:142 Naeni,2010:167 Nye,2008:78-79.	شکل دهی به جنگ نیابتی، تقویت همکاری نظامی (آموزش، کمک مستشاری و تسلیحاتی)	

Bakhtiyarpour and Ezzati,2010:4.		
Hafeznia,2017:463 and 2010:76	اجراء تمرینات و رزمایش مشترک نظامی	
Dalman and et al,2011:113. Nye,2008:76.	پویایی و قدرت تحرک نظامی بالای کشورها در هوا، دریا، زمین	
Hafeznia,2010:79 Nye,2008:75	افزایش پرستیژ نظامی حاصل از کیفیت و کمیت نیروی انسانی رزم	

(Source: rezaei,2021:26-185)

#### ۴-۱-۴ مولفه‌ی فرهنگی قلمروسازی ژئوپلیتیکی (عوامل و شیوه‌ها)

فرهنگ به عنوان برجسته‌ترین شاخصه‌ی انسان و جوامع انسانی، اصلی‌ترین بخش و پایه‌ی قدرت یک کشور به حساب می‌آید (Vasegh and Ahmadi,2013:63). قدرت فرهنگی یا قدرت نرم، با قابلیت شکل‌دادن به علائق دیگران، حاصل عناصر مختلفی از ارزش‌ها، باورها و آموزه‌های معنوی و اخلاقی یک ملت به حساب می‌آید که مورد پذیرش، رغبت و احترام از سوی جامعه می‌باشد (Nye,2010:44). همین قدرت جاذبه‌ی عناصر فرهنگی و گسترش تدریجی آن، به عنوان تهدید و فرصت؛ باعث شده تا هانتینگتون در نظریه‌ی برخورد تمدن‌ها بر ماهیت فرهنگی چالش‌های آینده جهان و پیامدهای سیاسی آن در خطوط گسل میان تمدن‌های عمده‌ی دنیا (Huntington, 2005:45) که ناشی از متفاوت بودن ارزش‌های فرهنگی و تمدنی هر یک از کشورها و تمایل آنها به تثبیت برتری فرهنگی است تاکید نماید. اعتقاد آدورنو و هورکهایمر<sup>۱</sup> به نقش فرهنگ در از میان برداشتن هرگونه امکان مخالفت اساسی با سلطه مستقر و استقرار یافته در عصر سرمایه‌داری پیشرفته (Bashiriyeh,2000:96) نشانگر اهمیت جایگاه متغیرهای فرهنگی در کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها می‌باشد.

قدرت فرهنگی در واقع ظرفیت بهره‌گیری از ایدئولوژی، عقاید، الگوهای رفتاری، هنر، سنت‌ها و... محسوب شده و از آن برای پیشبرد اهداف و تاثیر بر دیگر فرهنگ‌ها استفاده می‌گردد (Jahantab,2006:31). به اعتقاد جوزف نای، کشورها سعی دارند با افزایش جذابیت‌هایی چون فیلم، موسیقی، آداب و رسوم، تبلیغات، هنر و ادبیات، ترویج زبان رسمی، غنای هویت ملی

1. Adorno and Horkheimer

و همچنین مراکز علمی - دانشگاهی (Nye,2010:146) با تاثیرگذاری در سایر جوامع، گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی خود را محقق نمایند. قدرت فرهنگی آمریکا مبتنی بر همین مفروضات، این کشور را در نزد افکار عمومی به صورت یک کشور مهیج، شگفت انگیز، ثروتمند، قدرتمند و نوآور مبدل کرده است (Nye,2008). به اعتقاد یان بلنی<sup>۱</sup> پیوند بین یافته‌های مهندسی و علم از دریافت جایزه نوبل گرفته تا فرود در کره‌ی ماه و داشتن شخصیت ملی، در دید افکار عمومی به قدرت تبدیل شده (Mousavizare and et al, 2018:98) و تاثیرش را بر نفوذ صاحبان این ظرفیت‌ها در سایر مناطق خواهد داشت. با این اوصاف شیوه‌های فرهنگی برای تثبیت قدرت به مراتب از ابزار و روش‌های نظامی و سخت، کم هزینه‌تر است و در عرصه روابط بین‌الملل هم به مثابه منبع اصلی و اولیه تولید و افزایش قدرت موردنظر هست و هم به مثابه ابزار و روش و مکانیسم تحقق و توزیع و تحلیل قدرت بکارآمده و در قالب عناصر گوناگون و از طریق انتقال یا نفوذ، ایفای نقش می‌کند (Jamshidi and Naghdi,2017:14). "کمیته مشورتی دیپلماسی عمومی دولت آمریکا" در گزارش خود درباره قرن ۲۱ عنوان می‌دارد: مبادلات دانشگاهی و آموزشی تاثیرات چندگانه مستقیم بر دیپلماسی عمومی دارند و از همین رو آنها ارزشمندترین ابزارهای [فرهنگی] سیاست خارجی دولت آمریکا هست (Mousavizare and et al, 2017:119). در این راستا وزارت امور خارجه آمریکا با در اختیار داشتن ۱۰۰۰ حساب رسانه‌ی اجتماعی رسمی در سراسر جهان به نمایندگی از صدها نفر از سفرا، سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های خود عمل می‌نماید (Mousavizare and et al,2017:124). در قالب همین رویکرد بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و تخریب چهره آمریکا در جهان اسلام، مراکز تحقیقاتی در اروپا و آمریکا، طرح‌های مختلفی از جمله پروژه سزامی<sup>۲</sup> را برای همکاری‌های علمی با کشورهای اسلامی در برنامه‌های خود گنجانند تا بتوانند روابط شکننده بوجود آمده را ترمیم نمایند. توجه به گروه‌های قومی خارج از مرزها ملی و به وحدت کامل رساندن نژاد آلمانی یکی از اهداف قلمروگستری هیتلر در اروپا بود و پیوسته بر ایجاد همبستگی بین آلمانی زبان‌های کشورهای پیرامونی تاکید داشت. لذا در

<sup>۱</sup>.Yan Bellini

<sup>۲</sup>.Sesame

این راستا سال ۱۹۳۸ طی پیمان مونیخ توانست منطقه سودت در چکسلواکی را با ۳ میلیونی آلمانی تبار ضمیمه خاک آلمان نماید (Naghizadeh,2005:222). شاخص‌ها و متغیرهای مرتبط با عوامل و شیوه‌های فرهنگی موثر بر کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها در قالب جداول (۸) و (۹) قابل توجه است.

جدول (۸): شاخصه‌های عوامل فرهنگی قلمروسازی ژئوپلیتیکی

منبع	شاخص	فاکتور
Ravasani,2001:19 Elahi, 2004:21 Flint,2011:42 Hosseini,2017:11	حفظ برتری نژادی، فرهنگی-تمدنی و القاء این برتری به دیگران	بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی
Hagget,2003:372-378	ایجاد پیوند و پیوستگی بیشتر با گروه‌های قومی-مذهبی و ملی همسور	
Yelatskov,2012:60-65	تحقق بخشیدن به ادعاهای تاریخی، فرهنگی و تمدنی نسبت به سایر مناطق	

(Source: rezaei,2021:26-185)

جدول (۹): شاخصه‌های شیوه فرهنگی قلمروسازی ژئوپلیتیکی

منبع	شاخص	فاکتور
Hafeznia, 2010:89 Khorasani,2008 Einbinder,2013:15	بهره‌گیری از ظرفیت رسانه (رادیو، تلویزیون، سینما، کتاب و..)	بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی
Finizadeh Bidgoli, 2017:110	تاسیس مراکز علمی-فرهنگی در مناطق مورد علاقه	
Flint,2011:86-87 Khorasani,2008 Finizadeh Bidgoli, 2017:1 Nye,2008:101	بهره‌گیری از ظرفیت آموزش عالی با کیفیت جهت جذب جویندگان علم و..	
Hafeznia,2017:463 Naeni,2010:169	الگوسازی (مدها، ارزش‌ها و...) برای پیروسازی در جامعه هدف	
Modirshanechi,2015:132	بهره‌گیری از ظرفیت ادبیات و واژگان زبانی، تاریخ و ارزشهای مشترک	
Jones and et al ,2007:227 Nye,2008:25	ساخت نمادهای معتبر و دارای ارزش و گسترش آن در دیگر فضاهای جغرافیایی	

Vasegh and Ahmadi,2013:70 Buyeh,2017:16 Roshandel,2005:81	استفاده از ظرفیت تاثیرگذار باورها، اسطوره‌ها و هنجارهای دارای مشروعیت براندیشه و رفتار کنشگران
---	--

(Source:rezaei,2021:26-185)

## ۲-۴ یافته‌های میدانی

در بخش مطالعه میدانی جهت پاسخ به سوالات تحقیق پرسش‌نامه‌ای شامل ۴۶ گویه (۲۰عامل و ۲۶ شیوه) مطرح شده و در اختیار اساتید و صاحب‌نظران مرتبط با موضوع تحقیق قرار گرفت. بعد از تایید روایی پرسشنامه تحقیق توسط ۷ نفر از اساتید صاحب‌نظر (روایی صوری) و اطمینان خاطر از این موضوع به منظور تایید پایایی پرسش‌نامه، آزمون ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید که میزان آن برای عوامل موثر بر قلمروسازی ژئوپلیتیکی، عدد ۰.۹۱۶ و برای شیوه‌ها، عدد ۰.۹۵۷ محاسبه گردید. سپس پرسش‌نامه بصورت حضوری و آنلاین در اختیار ۲۰۰ نفر از صاحب‌نظران در رشته‌های جغرافیای سیاسی- نظامی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل قرار گرفت. از این تعداد پرسش‌نامه، تعداد ۹۰ پرسش‌نامه دریافت شد که ۷۳ مورد کامل و صحیح بودند و مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات میدانی قرار گرفت. با این اوصاف اطلاعات دریافت‌شده از نتایج این نظرسنجی بر اساس آزمون (T-Test) به شرح جداول (۱۰ و ۱۱) تجزیه و تحلیل می‌گردد.

جدول (۱۰): سطح معناداری متغیرهای عوامل موثر بر کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها

ردیف	عوامل	متغیرها	مقدار آماره E	انحراف معیار	سطح معناداری
Q1	سیاسی (۲۷۸۸)	کسب اعتبار ارتقاء پرستیژ ملی‌الزایش برد جهانی و تحقق سلفه	14.384	7648	4.2740
Q2		متوازن سازی قدرت در قبال رفاها و یافتن متحدین منطقه‌ای جهانی	10.380	8597	4.9411
Q3		الزامات دگرگون، دستورالعمل‌ها و...	5.782	97495	3.6775
Q4		دفاع از اتباع و هم‌کیشان مذهبی، فرهنگی	4.381	1.01329	3.5295
Q5	اقتصادی (۲۷۸۸)	گسترش دامنه نفوذ سیاسی-اقتصادی و...	7.978	1.01329	3.9452
Q6		رفع مناقشه تهدیدات سایبری تروریسم فقر و کنترل بحران	6.330	1.07734	3.7898
Q7		دستیابی و کنترل انحصاری منابع جهت تولید ثروت	6.234	1.09338	3.7945
Q8		ارتقاء ظرفیت نظامی و کنترل رفاها	7.592	1.02962	3.9641
Q9	نظامی (۲۷۸۸)	دستیابی و بهره‌مندی از ظرفیت اقتصادی-تجاری-تکنولوژیک	7.592	1.02962	3.9641
Q10		توسعه بازار جهت فروش تولیدات داخلی	6.968	1.05824	3.9620
Q11		یکپارچه نمودن اقتصاد منطقه‌ای و جهانی تحت نظارت خود	6.330	1.07734	3.7898
Q12		حفظ تمامیت ارضی در قبال تهدیدات	5.439	1.33158	3.6996
Q13	نظامی (۲۷۸۸)	ترکیب نمودن قدرت بری و بحری	4.382	1.06772	3.5479
Q14		خارج شدن از حصار خشکی و بهره‌مندی از ظرفیت های دریا	6.256	1.04776	3.7871
Q15		پسنداری از حوزه‌های نفوذ سیاسی-اقتصادی	6.339	97594	3.7260
Q16		ایجاد سپر دفاعی در مقابل تهدیدات نظامی-امنیتی (حائل سازی)	7.987	1.04847	3.9726
Q17	فرهنگی (۲۷۸۸)	دفاع از متحدین منطقه‌ای و جهانی در مناطق دارای ارزش راهبردی	9.130	91348	3.9961
Q18		حفظ برتری ژنایی، فرهنگی-تمدنی	4.273	1.06826	3.5342
Q19		ایجاد پیوند و پویایی بیشتر با گروه‌های قومی-مذهبی و ملی-همسو	6.282	1.03790	3.7534
Q20		تحقق بخشیدن به اندامهای تاریخی، فرهنگی و تمدنی	5.550	99111	3.6438

(Source: rezaei,2021:395-402)

بر اساس جدول (۱۰) سطح معناداری کلیه فرضیات مطرحه در عوامل سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی موثر در کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها کمتر از ۰/۵ می‌باشد؛ بنابراین با رد فرضیه صفر، فرضیات تحقیق تایید می‌گردد. در این بین فرضیات مرتبط با عوامل سیاسی (شاخصه‌های کسب اعتبار، ارتقاء پرستیژ ملی، افزایش برد جهانی و تحقق سلطه سیاسی و متغیر متوازن‌سازی قدرت در قبال رقبا و یافتن متحدین منطقه‌ای- جهانی) دارای بیشترین تاثیر بر شکل‌گیری کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها می‌باشند. این در حالی است که فرضیات مرتبط با عوامل فرهنگی به جهت اثرگذاری کمتر بر شکل‌گیری کنش قلمروسازی در جایگاه آخر و بعد از عوامل اقتصادی و نظامی قرار دارد.

جدول (۱۱): سطح معناداری متغیرهای شیوه‌های موثر بر کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها

ردیف	شیوه‌ها	متغیرها	مقدار آماره F	الحراف معیار	سیانگین	سطح معناداری
Q1	سیاسی (سیانگین ۳۱۶۶)	دیپلماسی فعال جهانی (دیدوپایزیدها)	3.847	1.15602	3.5205	۰/۰۰۰
Q2		ممانعت از شکل‌گیری وحدت سیاسی، اقتصادی یا نظامی منطقه‌ای	4.961	۹4341	3.5479	۰/۰۰۰
Q3		جذب، آموزش گادار سیاسی و به کارگماردن رژیم‌های دست‌نشانده	6.559	1.01717	3.7805	۰/۰۰۰
Q4		حمایت از تشکیل شرکت‌های چندملیتی	4.966	1.09165	3.8389	۰/۰۰۰
Q5		ارائه خدمات بشردوستانه درمناطق موردعلاقه	7.409	94784	3.8219	۰/۰۰۰
Q6		نهادسازی وعضویت در نهادهای بین‌المللی. و به منظور بهره‌گیری از ظرفیت آنها	5.975	1.07730	3.7534	۰/۰۰۰
Q7	اقتصادی (سیانگین ۳۱۶۶)	کنترل سرمایه‌گذاری در متابع، زیرساخت‌ها در قالب اعطای وام، خدمات فنی‌مهندسی و...	4.842	1.11189	3.6301	۰/۰۰۰
Q8		کنترل جریان پول در سطح بین‌الملل	5.355	1.15783	3.7160	۰/۰۰۰
Q9		افزایش سطح مبادلات تجاری	6.383	1.07128	3.8630	۰/۰۰۰
Q10	سیانگین ۳۱۶۶)	مسدود، مصادره کردن دارایی‌های کشورهای غیر متصطف	5.648	1.04327	3.8944	۰/۰۰۰
Q11		در دست گرفتن و کنترل بازار صادرات رقیب منطقه‌ای و جهانی	8.449	95584	3.9452	۰/۰۰۰
Q12		بهره‌گیری از ظرفیت بانگداری و بیمه‌ها	4.796	1.09487	3.8111	۰/۰۰۰
Q13		تقویت فتاوری‌های و سیستم‌های نظامی	4.452	1.08545	3.5694	۰/۰۰۰
Q14		ایجاد پایگاه و مشارکت دراناللهای سیاسی-امنیتی و...	8.489	98572	3.9891	۰/۰۰۰
Q15		اعزام نیروهای حافظ صلح به مناطق درگیر	4.925	1.08962	3.8301	۰/۰۰۰
Q16	سیانگین ۳۱۶۶)	شکل‌دهی به جنگ نیابتی، تقویت همکاری نظامی	3.870	95005	3.9883	۰/۰۰۰
Q17		پروگزاری تمرینات و .. مشترک نظامی	5.071	1.08487	3.8438	۰/۰۰۰
Q18		پویایی و قدرت تحرک نظامی بالای کشورها در هوا، دریازمین	7.487	1.02311	3.9028	۰/۰۰۰
Q19		افزایش پرستیژ نظامی	5.184	1.10823	3.8712	۰/۰۰۰
Q20		بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌رادیو، تلویزیون، سینما، کتاب و...	8.487	1.02653	1.02653	۰/۰۰۰
Q21		تاسیس مراکز علمی-فرهنگی در مناطق موردعلاقه	8.172	94523	3.9423	۰/۰۰۰
Q22	سیانگین ۳۱۶۶)	بهره‌گیری از ظرفیت آموزش عالی یا کیفیت (علم و فتاوری)	7.024	1.06647	1.06647	۰/۰۰۰
Q23		الگوسازی (مدلهارزشها و...) برای پیروسازی در جامعه هدف	7.558	1.03754	1.03754	۰/۰۰۰
Q24		بهره‌گیری از ظرفیت ادبیات و واگان زبانی، تاریخی و ارزشهای مشترک	7.713	1.03184	1.03184	۰/۰۰۰
Q25		ساخت نمادهای معتبر و گسترش آن در دیگر فضاهای جغرافیایی	5.426	1.07854	1.07854	۰/۰۰۰
Q26		استفاده از ظرفیت تاثیرگذار یاورها، اسطوره‌ها و هنجارهای ...	5.758	1.03682	1.03682	۰/۰۰۰

(Source: rezaei, 2021: 405-414)

بر اساس جدول (۱۱) سطح معناداری کلیه فرضیات مطروحه در شیوه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی موثر در کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها کمتر از ۰۵/ می‌باشد؛ بنابراین با رد فرضیه صفر، فرضیات تحقیق تایید می‌گردد. در این بین فرضیات مرتبط با شیوه‌های فرهنگی (بهره‌گیری از ظرفیت رسانه «رادیو، تلویزیون، سینما، کتاب و...») بدان جهت که متکی بر راهبردهای متنوع و به دور از تنش‌زایی می‌باشند از بیشترین تاثیر جهت تحقق و بسط قلمرو ژئوپلیتیکی کشورها برخوردار بوده‌اند. در این بین فرضیات مرتبط با شیوه‌های سیاسی به جهت ویژگی‌های خاص خود پس از عوامل نظامی و اقتصادی در جایگاه آخر قرار دارد.

## ۵. تجزیه و تحلیل

از آنجا که سوالات تحقیق در دو بعد کتابخانه‌ای و میدانی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت در مجموع نتایج حاصله زیر قابل توجه می‌باشد.

### ۱-۵. یافته‌های کتابخانه‌ای

مباحث بیان شده نشانگر آن است که کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها به نوعی در ادامه تفکرات ژئوپلیتیک سنتی که عموماً قلمروخواه بودند قرار دارد. لذا در این مسیر به موازات رشد و تکامل نظام‌های سیاسی که رشد نیازمندی و خواسته‌ی دولت‌ها را به همراه داشته، مسئله حفظ منافع و امنیت ملی برای کشورها با پیچیدگی مواجه شده که متفاوت و بی‌شک بسیط و حساس‌تر از گذشته می‌باشد. لذا در کش و قوس تحقق خواسته‌ی کشورها، جایگاه متغیرها و عناصر ساختاری و کارکردی فضای جغرافیا بر سیاست و قدرت بازیگران هم متحول شده بنابراین کشورها در قالب حفظ منافع و تامین امنیت ملی به عنوان بالاترین هدف مورد مطالبه مردم با ترسیم و تدوین مجموعه‌ای از علائق ژئوپلیتیکی خود جهت حصول به اهداف ملی، راهبردهای ژئوپلیتیکی متنوعی اتخاذ و اجرا می‌کنند. اگرچه با توجه به تحولات نظام بین‌الملل، هنوز معدود کشورهایی (روسیه با کنترل کریمه) وجود دارند که با روش سنتی به خواسته‌های خود جامه عمل می‌پوشانند اما دولت‌ها عمدتاً تحقق اهداف و منافع خود را در قالب قلمروسازی ژئوپلیتیکی که ماهیتی به مراتب موثر، کم تنش و کم هزینه‌تر دارد استوار ساخته‌اند.

نکته مهم این است که در چارچوب مفهوم قلمروسازی ژئوپلیتیکی ما شاهد کنشگری بازیگران در سطوح مختلف ساختار قدرت جهانی می‌باشیم. اگر ما در گذشته تنها شاهد اقدامات قلمروگستری قدرت‌های بزرگ بودیم و نقشه‌ی جغرافیا تحت سیطره و کنترل چند کشور بود، امروزه با در همتی‌دگی قلمرو ژئوپلیتیکی با کنشگرانی در سطوح مختلف روبرو می‌باشیم. کشور قطر با وجود وسعت و جمعیت محدود خود با ارتقاء وزن ژئوپلیتیکی‌اش (درآمد انرژی) از قلمرو ژئوپلیتیکی به مراتب گسترده‌تر از مساحت جغرافیایی خود برخوردار است. تاثیرگذاری در مسئله افغانستان، سوریه، عراق، جهان اسلام و اوپک که بی‌شک ناشی از ابزار رسانه‌ای (الجزیره) و دیپلماسی قوی این کشور حاصل گردیده بر قدرت و وزن ژئوپلیتیکی این کشور افزوده است. کسب میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲ فوتبال در بین این همه مدعی، نشان از جایگاه مهم این کشور کوچک در بین کنشگران متعدد عرصه دیپلماسی ورزش می‌باشد. با این اوصاف می‌توان گفت قلمروسازی ژئوپلیتیکی براساس نگاه به منافع حیاتی و تهدیدات متصور و همچنین وضعیت رقابت گونه نظام بین‌الملل که ناشی از حس بی‌اعتمادی فزاینده بازیگران به یکدیگر است حلت عملی به خود می‌گیرد. در چارچوب این کنش ارتباط موثر بین مولفه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی چه در بعد عوامل قلمروسازی ژئوپلیتیکی و چه شیوه‌های تحقق آن علاوه بر الزام‌آور نمودن این اقدام توسط کشورها بر پیچیدگی و سختی فهم دقیق اهداف و نیات بازیگران افزوده که خود در عین فرصت بودن در حلت آفندی، تهدیداتی هم به جهت غفلت از اهداف کنش‌گری رقبا در وضعیت پدافندی به همراه دارد.

#### ۵-۲. یافته‌های میدانی

نتایج و میانگین نمرات کسب شده از جامعه آماری تحقیق بیانگر اهمیت و تاثیر بالای هر یک از مولفه‌ها بر کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها می‌باشد.



جدول (۱۲): نتایج آزمون فریدمن      جدول (۱۳): رتبه‌بندی مولفه‌های عوامل و شیوه قلمروسازی کشورها

مؤلفه	میانگین رتبه		رتبه اهمیت
	میانگین	رتبه	
سیاسی	۲/۷۳	۱	۴
اقتصادی	۲/۶۶	۲	۳
نظامی	۲/۵۱	۳	۲
فرهنگی	۲/۱	۴	۱

رتبه	عوامل	شیوه‌ها
تعداد	۷۳	۷۳
کلی اسکور	۱۱/۶۶۱	۸/۶۹۴
درجه آزادی	۳	۳
سطح معناداری	۰/۰۰۹	۰/۰۳۴

آن‌گونه که در جداول (۱۲ و ۱۳) بیان شده متغیرهای موثر بر کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها از وزن یکسانی برخوردار نیستند. تحلیل یافته‌های میدانی این تحقیق به کمک آزمون‌های آماری نشان داد که از میان متغیرهای عوامل قلمروسازی ژئوپلیتیکی نقش عوامل سیاسی با میانگین رتبه ۲/۷۳ در اولویت بوده که این اهمیت ناشی از جایگاه شاخصه‌های مرتبط با مسئله امنیت و منافع ملی بازیگران سیاسی در عرصه رقابت آمیز نظام بین‌الملل می‌باشد. سایر عوامل اقتصادی، نظامی و فرهنگی با توجه به ضریب تاثیرگذاری بر مولفه قدرت کشورها در رتبه‌های بعدی قرار دارند. بر عکس این موضوع در بخش شیوه‌های قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها، متغیرهای فرهنگی با میانگین رتبه ۲/۲۳ نقش پر رنگ‌تری در تحقق اهداف قلمروخوانه کشورها دارند. بنظر می‌رسد اهمیت یافتن این موضوع در راهبرد کشورها از یک سو ناشی از پیچیدگی و عدم آگاهی کشورها از ماهیت و نحوه عملکرد این تدابیر در بسط قلمرو ژئوپلیتیکی می‌باشد و از سوی دیگر به دلیل حرکت بطئی شیوه‌های فرهنگی قلمروسازی نسبت به سایر شیوه‌هاست که بالطبع حساسیت و موضع‌گیری کمتری را به خود معطوف می‌دارد. لازم به ذکر است این شیوه به لحاظ کاهش هزینه‌ها، اثر بخشی بالا، پرهیز از تخصیص و تنش‌زایی و واکنش مردم فضای جغرافیایی هدف، نسبت به سایر شیوه‌ها متفاوت بوده و در مجموع دارای وضعیت قابل قبول‌تری می‌باشد. با این حال سایر شیوه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی در رتبه‌های بعدی قرار دارند و با توجه به نقش مکمل آنها، کشورها با توجه به ظرفیت‌شان بطور ترکیبی و در چارچوب این مولفه‌ها قلمرو ژئوپلیتیکی خود را ترسیم می‌نمایند.

## ۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش جهت تبیین الگوی قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها حول دو موضوع یعنی «عوامل موثر بر کنش» و «شیوه‌های تحقق کنش» می‌چرخد. بنابراین در قالب مفهوم ژئوپلیتیک ضمن تعریف عناصر و مفاهیم مرتبط، توضیح داد شد که کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها مبتنی بر نفوذ و تاثیرگذاری بازیگران قدرتمند است که جهت بهره‌گیری حداکثری از عناصر و ارزش‌های کالبدی و ساختاری سایر فضاها، جغرافیایی از ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و... استفاده می‌نمایند. بر همین اساس و بواسطه ارتباط بی‌بدیل قدرت با جغرافیا و نقشی که قدرت در حل و فصل چالش‌ها و منازعات دارد؛ فضا و قلمروهای جغرافیایی که در بطن خود منابع قدرت طبیعت پایه و انسان پایه جای داده‌اند همواره مورد طمع بازیگران سیاسی بوده و معمولاً مورد دست‌اندازی آنها قرار می‌گیرند. از آنجا که تمرکز ژئوپلیتیک بر کنترل فضا و مکان بمنظور ارتقاء قدرت و وزن ژئوپلیتیکی و سپس بهره‌گیری از آن برای بازتولید فضا جهت حصول مجدد قدرت می‌باشد، صاحب‌نظران متغیرهای مختلفی را به عنوان دلیل و شیوه اقدام کشورها جهت توسعه قلمرو مطرح و مورد توجه قرار داده‌اند که عموماً به جهت علت و شیوه اقدام نگاه‌ها تک یا چند متغیره و محدود بوده و بعضاً مانند گذشته بر اشغال فضا به شیوه نظامی تمرکز داشتند. با این اوصاف با رویکرد جدیدی که در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کشورها جهت رفع نیازها و ارتقاء قدرتشان وجود دارد؛ شاهدیم که کشورها در چارچوب مفهوم قلمروسازی ژئوپلیتیکی در تلاشند با شناخت دقیق نیازهای خود و رقبا به اهداف خود دست یابند. نحوه عمل متفاوت از گذشته اقدام کشورها را با حساسیت کمتری مواجه می‌سازد. از آنجا که ماحصل قلمروسازی ژئوپلیتیکی ارتباط مستقیمی با وزن ژئوپلیتیکی دارد، کشورهای قدرتمند هم به جهت گستردگی نیازهایشان برای حفظ قدرت و هم به جهت ظرفیت‌هایی سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی که برای تاثیرگذاری بر دیگر فضاها، جغرافیایی دارند در توسعه قلمرو ژئوپلیتیکی خود پیشرو بوده‌اند و در این مسیر برای هر هدف راهبرد ژئوپلیتیکی مشخصی دارند. در حالی که کشورهای کم ظرفیت‌تر در اهداف، نحوه عمل و قلمرو اثرگذاری از وضعیت محدودتر و

قلمرو ژئوپلیتیکی کمتری برخوردار خواهند بود. بنابراین با توجه به عدم کاهش اهمیت عناصر و ارزش‌های گفته شده بر قدرت، متغیرها و شاخص‌های موثر در شکل‌گیری کنش قلمروسازی و شیوه‌ی عمل کنش‌گری کشورها مشخص گردید و ضمن تعیین مصادیق عینی برای هر متغیر، شاخص‌ها مورد تایید جامعه‌ی آماری خبره تحقیق قرار گرفته وزن و اهمیت شاخص‌ها در هر مولفه و همچنین اولویت‌بندی مولفه‌های چهارگانه به روش‌های آماری تعیین گردید. در نهایت مدل مفهومی زیر به عنوان خروجی پژوهش طراحی و تدوین شد. اگر چه هر گروه از این مولفه‌های ژئوپلیتیکی موثر بر کنش قلمروسازی را می‌توان به صورت جداگانه مورد بررسی و مطالعه قرار داد، با این وجود، هرکدام از این متغیرها در ارتباط و تاثیر بر دیگر مولفه و متغیرها، بسط قلمرو ژئوپلیتیکی کشورها را شکل داده و در یک کارکرد جمعی نتیجه مطلوب را محقق می‌سازند.



شکل (۳): مدل نهایی الگوی کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها

## ۷. قدردانی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری جغرافیای سیاسی با عنوان «تبیین الگوی قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها- مطالعه موردی: روسیه در اوراسیا» در دانشگاه تربیت مدرس تهران است. نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از دانشگاه تربیت مدرس بخاطر حمایت‌های مادی و معنوی و فراهم نمودن شرایط پژوهش قدردانی نمایند.

## References

1. Abdi, M; Farajirad, A.R; Ghorbaninejad, R (2020). Expounding Geopolitical Factors Affecting the Formation of Strategic Relations, Geographical Researches Quarterly Journal, Vol.16, No 57, PP 1-36. **[In Persian]**
2. Afshordi, M.H (2002).Caucasus Geopolitics and Foreign Policy Iran,Tehran, Davos Sepah. **[In Persian]**
3. Afzali, R; and et al. (2014). Discourse Territoriality in Geopolitics, Tehran, World Politics Quarterly, Vol.3,No. 4 ,PP 29-55. **[In Persian]**
4. Ansell, C.K; Di Palma, G (Eds.) (2004).Restructuring territoriality, Cambridge University Press .
5. Badiie Azandehie, M; and et al.(2015). A Comparative Study of the Concepts of “Territory” and “Territoriality” in the Constitutional Revolution and Islamic Republic of Iran Constitutions, Tehran, Geopolitics Quarterly, Vol.11,No. 37,PP 101-134. **[In Persian]**
6. Bakhtiyarpour, A; Ezzati, E. (2010). Expansion of Iranian geopolitics in Arabic Middle East with a model of expansion of Eastern Middle East, Geographics Quarterly of the Territory, Vol.7, No 27, PP 1-20. **[In Persian]**
7. Bashiriyeh, H (2000). Theories of culture in the twentieth century,Tehran, Ayandeh Pouyan Cultural Institute. **[In Persian]**
8. Blax, M (2010). Political Geography, translated by Hafeznia. M. Reza, Abdi. A , Rabiee. Hossein., Ahmadi,A. Tehran,Select Publishing -Brzezinski,Z(1990); In Search of National Security, translated by Ebrahim Khalili Najafabadi,Tehran, Safir Publishing. **[In Persian]**
9. Bozan, B (2000). Military Security after the Cold War and Existing Theories in the Field of National Security and International Relations, Lecture, Quarterly Journal Scientific of Strategic Defense Studies, Volume 2, Issue 7,Pages 37-52. **[In Persian]**
10. Braden, K; Shelley, F (2004). Engaging Geopolitics,Translated by Alireza Farshchia & Hamid Reza Rahnama,Tehran, Payam Spass Publication. **[In Persian]**
- 11.Brzezinski, Z (1990). In Search of National Security, translated by Ebrahim Khalili Najafabadi,Tehran, Safir Publishing. **[In Persian]**
- 12.Buyeh, C (2017). Explaining the Geopolitical Territories of the Islamic Republic of Iran after the Revolution, Tarbiat Modares University Master of Political Geography Thesis under the guidance of Dr. Mohammad Reza Hafezni. **[In Persian]**
- 13.Cohen, S.B (1994). Geopolitics in the New World Era:A new perspective on an old discipline. Reordering the World: Geopolitical Perspectives on the 21st Century,15-48.
- 14.Collins, J. M (1998). Military Geography: For Professionals and the Public.

15. Collins, J.M (1991). The Great Strategy, Principles and Procedures, translated by Cyrus Binder, Office of Political and International Studies Publications.
16. Dalman, C.T. and et al. (2011). Basic Concepts in Political Geography, translated by Nami M.H. & Mohammadpour.A., Tehran, Zaytoun Sabz Publications. **[In Persian]**
17. Deheshyar, H (2017). Trump and the centrality of economic and military capabilities in foreign policy, International Relations Research, Vol. 6, No. 22, pp 15-34. **[In Persian]**
18. Dehghani Firoozabadi, S. J. (2015). Principles and fundamentals of international relations (1), Tehran: Samt. **[In Persian]**
19. Dougherty, J; Faltzgraff, R (2004). Conflicting Theories in International Relations, translated by Alireza Tayeb and Vahid Bozorgi, Tehran, Qoms Publishing. **[In Persian]**
20. Dougherty, J; Faltzgraff, R (2017). Conflicting Theories in International Relations, translated by Alireza Tayeb and Vahid Bozorgi, Tehran, Qoms Publishing. **[In Persian]**
21. Einbinder, M (2013). Cultural diplomacy harmonizing international relations through music, Master of Art Thesis Gallatin School of Individual Studies New York University.
22. Elahi, H (2004). Understanding the nature of imperialism, Tehran, Qoms Publishing .
23. Ezzati, E (2001). Geopolitics in the 21st Century, Tehran, Samat. **[In Persian]**
24. Finizadeh Bidgoli, J (2017). Provide a model for enhancing penetration in the security environment in transition, Journal National Security ,Volume 7, pp. 85-120. **[In Persian]**
25. Flint, C (2011). Introduction to Geopolitics, translated by Qalibaf, M. B. & Pooyandeh, M.H, Tehran, Qoms Publishing. **[In Persian]**
26. Ghorbaninejad, R (2013). The Model of Geopolitical Factors of Tension and Conflict in Countries Relations, Tarbiat Modares University PhD Thesis under the guidance of Dr. Mohammad Reza Hafeznia. **[In Persian]**
27. Hafeznia, M.R. (2010). National Power and Interests - Surcees, Concepts & Methods - Tehran, Select Edition.
28. Hafeznia, M.R; Kavianirad, M (2012). New Horizons in Political Geography, Tehran, Samat Publishing. **[In Persian]**
29. Hafeznia, M.R (1917). Principles and Concepts of Geopolitics, Mashhad, Papli. **[In Persian]**
30. Hafeznia, M. R (2013). "Research methods in social sciences", Tehran: Samt Publications Vol.19. **[In Persian]**
31. Hagget, P (2003). Geography: a modern synthesis, Translatio: Shapur Goodarzi Nejad. Tehran, Samat Publishing, Sixth edition.

32. Held, D (1999). The transformation of political community: rethinking democracy in the context of globalization, *Democracy's edges*, 84-111.
33. Hobson, J. A (1965). *Imperialism: A Study*. Ann Arbor: University of Michigan Press .
34. Holsti, K.G (1995). *Fundamentals of International Policy Analysis*, translated by Bahram Direct and Massoud Tarom Sari, Tehran, Office of Political and International Studies. **[In Persian]**
35. Hosseini, S.M (2017). US Political-Military Interventions in the Persian Gulf, Vol.30, No.4, PP 7-41. **[In Persian]**
36. Hudson, R; Smith, E.A (1978). Human Territoriality: An Ecological Reassessment, VOL. 80, No.1, PP 21-41- <https://anthrosource.onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1525/aa.1978.80>.
37. Huntington, S. (2005). *the clash of civilizations, Huntington and His Critics*, Translated by Mojtaba Amiri Vahid, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications, sixth edition. **[In Persian]**
38. I Lee, B; Walling, K.F (Eds.) (2003). *Strategic logic and political rationality: Essays in honor of Michael I. Handel*. Psychology Press.
39. Ismailpour Roshan, A .A. (2017). Geopolitical Analysis of Power Networks in Post-ISIL Iraq: A Model for Preventing US Regional Influence, *Journal of New Attitudes in Human Geography*, Vol.9 ,No.3 ,pp 79-99. **[In Persian]**
40. Jahantab, M (2006). Survey Factor Cultural of National Power and Rol of Armed Forces at That, *Quarterly of Danesh-E-Entezami, Police University*, Vol.8, No4. **[In Persian]**
41. Jamshidi, M.H; Naghdi, F (2017). Culture and Power in International Relations, *World Politics Quarterly*, Vol.6, No. 1 , PP 7-46. **[In Persian]**
42. Jones, M; Rice woods, M (2007). *Introduction to Political Geography*, translated by Zahra Pishgahifard and Rasoul Akbari, University of Tehran Press.
43. Karimipour, Y (2000). *Introduction to Iran and its Neighbors: Sources -of Tension and Threat*, Tehran, Trbit Moalm University Jihad. **[In Persian]**
44. Kavianirad, M. (2014). Processing the concept of "territory" from the perspective of political geography, *Journal National Security* ,Vol. 17, No 4, PP 43-62. **[In Persian]**
45. Kazemi, A (1994). *International Relations in Theory and Action*, Tehran, Ghoomes Publications. **[In Persian]**
46. Kelly, R.E (2007). "Security Theory in the New Regionalism", *International Studies Review*, Vol,9.
47. Khorasani, R (2008). The position and role of cultural power in foreign policy and its impact on global developments, *Political Science Quarterly*, Vol.41, PP 47-72. **[In Persian]**

48. Koolae, E; Abed, A (2018). Geopolitical Components of the Russian Foreign Policy, Geographical Researches Quarterly Journal, Vol.14 ,No 49, PP 1-25. **[In Persian]**
49. Lorre, P; Tuval, F (2002). The Keys to Geopolitics, translated by Hassan Sadoughi Venini, Tehran, Shahid Beheshti University.
50. Luttwak, E.N (1990). From Geopolitics to Geo-Economics: Logic of Conflict, Grammarto Commerce. The National Interest. Vol 20. PP17-24.
51. Magdoff, H; Camp, T (1999). Imperialism: Theory- History - Third World, Translated by Houshang Moghtadar, Tehran, Kavir Publishing. **[In Persian]**
52. Mirheydar, D (2005). A Study of the Concept of Territoriality from the political geography Point of View, Geopolitics Quarterly, vol.1, No:1, pp 6-18.
53. Mirhaidar, D; and et al. (2015). Fundamentals of Political Geography, Tehran, Samat Publications, 21st Edition. **[In Persian]**
54. Modirshanechi, M (2015). The Role of Culture in the Development of National Power; Interaction Discourse, the Strategy for Confronting Extremism. Journal of Cultural Relation, Vol.1, No.1, pp129-141. **[In Persian]**
55. Modolski, G (1978). The long cycle of global politics and the nation-state, Comparative studies in society and history, 20(2), 214-235.
56. Mohammadi, H.R; and et al (2012). Globalization and Territoriality in Political Geography, Quarterly Journal of Human Geography Research, Vol. 44, No. 80 ,PP 85-102. **[In Persian]**
57. Mojtahedzadeh, P (2002). Political Geography and Geographical Policies, Tehran, Samat Publications. **[In Persian]**
58. Moshirzadeh, H (2005). Development in International Relations Theories, Tehran, Samat Publications, 10th edition. **[In Persian]**
59. Mousavi Zare, S.J; Zarghani, S.H; Aazami, H (2018). Analysis and Survey the Position of Science and Technology in National Power, Geographical Researches Quarterly Journal, Vol.13, No. 47 , PP.103-138. **[In Persian]**
60. Muir, R (2000). A New Introduction to Political Geography, translated by Dorreh Mir Haidar Mohajerani and Yahya Rahim Safavi, Tehran, Geographical Organization of the Armed Forces Publications. **[In Persian]**
61. MossallaNejad, A (2008). Evolutions of us Foreing Policy After The Cold War ,Politics Quarterly, Volume 38, Issue 1, pag 241-265.
62. Naeni, A. M (2010 ). Comparative study of hard, semi-hard and soft triple threats, Vol .8, No 30, pp 157-177. **[In Persian]**
63. Naghibzadeh, A (2005). History of Diplomacy and International Relations from Westphalia to the Present, Qoms. **[In Persian]**
64. Nourbakhsh, S.N; Ahmadi, F (2021). Geopolitics and Territorial Expansionism in Nazi Germany: The influence of Haushofer Ideas on Hitler, Geographical Researches Quarterly Journal, Vol. 17, No. 63, PP142-169. **[In Persian]**

65. Nye, J (2003). The use of soft power, translated by Seyed Reza Mirtaher, Tehran, Qoms Publishing. **[In Persian]**
66. Nye, J (2008). Power in the global information age: from realism to globalization (S. Mir Torabi, Trans.). Tehran: Research Institute of Strategic Studie. **[In Persian]**
67. Nye, J. (2010). Soft power: the means to success in world politics (S.M.Zolfaghari and M. Rouhani, Trans.). Tehran: Imam Sadiq University Press. **[In Persian]**
68. Oneal, J.R; Russett, B; Berbaum, M.L (2003). Causes of Peace: Democracy, Interdependence ,and International Organizations, 1885-1992- <https://www.jstor.org/stable/3693591>.
69. Ó Tuathail, G. (1996). Critical Geopolitics: the Politics of Writing Global Space, Routledge.
70. Ravasani, S (2001). False Hypotheses of Aryan, Sami & Turk Races, Tehran, Information Publishing. **[In Persian]**
71. Rezaei, D; and et al. (2015). A Study of Effective Factors in Promoting Saudi Geopolitical Weight and Its Impact on National Security of the Islamic Republic of Iran, Middle East Studies Quarterly, Vol. 25, No 3, pp 47-62. **[In Persian]**
72. Rezaei, D; Hafeznia, M.R; Afshardi, M.H; Ahmadi, S.N (2021). A Study and Critique of the Theories of Territorializing Countries Geopolitically and an Explanation of a Theoretical Model, Journal political Defense, Vol 29, No 113 ,Pages 195-232. **[In Persian]**
73. Roshandel, J (2005). National Security and the International System, Tehran, Samat. **[In Persian]**
74. Sack, R (1986). Human Territoriality: Its Theory and History. Vol. 14, Cambridge University Press, Cambridge, pp 16-18.
75. Salimi, H (2005). Various theories about globalization ,Tehran, Samat. **[In Persian]**
76. Salami, H; Rahmati Poor, L (2015). Comparison of Energy Strategy between China and the United States And its Impact on the Persian Gulf, Strategic Research of Policy, Vol.3, No11, pp 129-60. **[In Persian]**
77. Schweller, R.L (1996). Neorealism's status - quo bias: What security dilemma? Security Studies, vol.5, No 3, pp 90-121.
78. Shams Dolatabadi, S.M.R; Nasirzadeh, A; MirSamiei, S.M (2018). Explaining the geopolitical consequences of NATO territory national security on the National Security of the Islamic Republic of Iran. Scientific Quarterly, Vol 8, No 27, pp 105-136. **[In Persian]**
79. Tabatabai, S.M (2002). US Foreign Policy from: Continental Imperialism to Global Imperialism, Basij Strategic Studies Quarterly, Vol. 5, No 17, PP 51-95. **[In Persian]**



80. Vasegh, M; Ahmadi, S.A (2013). Islamic Attitude toward the Role of Culture in Expanding Countries' Sphere of Influence, *Geopolitics Quarterly*, 9(29), 60-90. **[In Persian]**
81. Zaki, y; Gholami, M (2018). NATO's Geopolitical Territory Extension in the Geopolitical Territories to the West of the Islamic Republic of Iran, *Journal of Defense Policy*, Vol. 26, No 101, pp 9-43. **[In Persian]**
82. Vahidi, M (2008). International Systems Based on Single Power: Unipolarism, Hegemony and Empire. *Strategic Studies Quarterly*, Vol.10, No.38, pp 697-724. **[In Persian]**
83. Wagnsson, Ch (2012). NATO's Role in the Strategic Concept Debate: Watchdog, Fire-Fighter, Neighbour or Seminar Leader? Cooperation and Conflict, Available at: <http://cac.sagepub.com/content/46/4/482.htm>. Accessed on: 2012 /04/21.
84. Wallerstein, I (1998). *Geopolitics and geoculture Essays on the changing world-system*, Translated by Pirooz Izadi, Tehran, Ney Publishing. **[In Persian]**
85. Yaqouti, M.M (2012). The Legal Exceptions of Prohibition of Use of Force in International Relations. *The Journal of Foreign Policy*, Vol.25, No 4, pp113-132. **[In Persian]**
86. Yelatskov, A.B (2012). Territorial-political and regional geopolitical systems: correlation of concepts. *Baltic Region*, (1), 60-65.

---

#### COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

---

